

رویکرد اسلامی به اخلاق در فضای مجازی؛ تمایزها و روشها

حمیدرضا آیت الهی

۱- مقدمه:

امکان و معنای رویکرد اسلامی به اخلاق در فضای مجازی: برای کسانی که مبنای اخلاقشان

«امر الهی» است، سخن گفتن از اخلاق دینی امری ساده است؛ چرا که تمامی ملاکهای اخلاقی به فرمان الهی باز می‌گردد. (ریچلر، ۱۳۸۷، ص ۵-۷۴) اما مشکلاتی که این افراد پیش رو دارند مثل استناد صفات حسنه به باری تعالی، آنها را دچار مشکل می‌کند؛ چراکه ملاکی بیرون از امر الهی نیست تا خداوند به آن صفات متصف گردد و از سایر صفات بری دانسته شود. این مشکل همان است که دیدگاه اشعری در عالم اسلام با آن مواجه بود.

در مقابل اگر ملاک دستورات اخلاقی را مستقل از خداوند بدانیم با محدودیت قدرت الهی و حاکمیت او مواجه می‌شویم. برخی از معتزله براین باور هستند. در مناظره بین این دو گروه، گروه اول متهم می‌شدند که «توحید صفاتی» آنها دارای خدشه است و گروه دوم نیز بر ناتوانی شان در تبیین «توحید افعالی» تاکید می‌گردید. (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۸-۲۴) در این میان شیعه بر اساس تعالیم امامان خویش از دو وجه افراط و تفریط دوری گزیده و راه میانه‌ای را برگزید که در تبیین «حسن و قبح ذاتی» و «حسن و قبح عقلی» از آسیب فکری به توحید صفاتی و توحید افعالی مبرا گردد. در تفکر شیعی حسن و قبح ذاتی دارای وجودی منحاز همچون مثل افلاطونی نیست بلکه علی‌رغم قطعیتشان همچون اصل عدم تناقض، اعتباری هستند در نتیجه با جعل جاعلی بوجود نمی‌آیند که خالقی داشته باشند. راز اشتغال عدل در اصول مذهب شیعه نیز از این حقیقت برمی‌خیزد. (ص ۲۹)

در صورتی که برای اخلاق، حسن و قبح عقلی قائل باشیم دیگر با عقل است که باید به سراغ شناخت خوب و بد در اندیشه بشری رفت. در نتیجه، دیدگاه امر الهی دیگر ساری نخواهد بود. از طرف دیگر کسانی که اخلاق را سکولار بررسی می‌کنند نیز اندیشه بشری را کافی و وافی برای حصول دستورات اخلاقی می‌دانند. حال این سوال قابل طرح

است که با این ملاحظات آیا می‌توان از اخلاق دینی به نحو عام و اخلاق اسلامی به خصوص صحبت کرد؟ در آن صورت اسلامیت اخلاق به چه امری خواهد بود؟ در این صورت اخلاق اسلامی با نگرش شیعی چه تفاوتی را با اخلاق سکولار خواهد داشت؟

اخلاق کاربردی در غرب، بر مبنای ای استوار است که با نگرش سکولاریستی مورد ارزیابی و قبول قرار گرفته است. آنچه مسلم است این است که رویکرد اسلامی به اخلاق در فضای مجازی وجه اشتراک‌های بسیاری با اخلاق فضای مجازی معمول سکولار خواهد داشت؛ اما این دو اخلاق در چه اموری باهم تفاوت دارند که -با ملاحظات پیش گفته- ویژگی خاص رویکرد اسلامی به اخلاق در فضای مجازی خواهد شد. در بسیاری تحقیقات فلسفی اخلاق، بررسی‌هایی در باره ارتباط دین و اخلاق شده است ولی رویکرد جامعی که ناظر به همه ابعاد آن باشد ارائه نشده است. در این مقاله عناصر اصلی وجه تمایز اخلاق اسلامی و سکولار ارائه می‌گردد که براساس باورهایی که در خصوص رابطه دین و اخلاق وجود دارد، ویژگی‌های خاص رویکرد اسلامی به اخلاق در فضای مجازی (با نگرش شیعی) خواهد بود. قابل ذکر است که برخی از این مولفه‌ها ممیز رویکرد اسلامی است و برخی از این مولفه‌ها مقوم آن است. در نتیجه برای ارائه مرانامه‌های اخلاقی در فضای مجازی در جامعه‌مان باید این مولفه‌ها اعمال گردد تا بتوان از رویکرد اسلامی به اخلاق در فضای مجازی سخن گفت. در این نوشتار در نظر است عناصر اصلی رویکرد اسلامی که در تهیه مرانامه‌های اخلاقی باید مورد توجه قرارگیرد نشان داده شود، و ملاحظاتی که در تدوین مرانامه‌های فوق اهمیت دارد بازنموده شود. امید است به این طریق بتوان کدهایی اخلاقی بر اساس رویکرد اسلامی در فضای مجازی تهیه گردد که هم عناصر مشترک کدهای اخلاقی را داشته باشد و هم عناصر ارزشی بینش اسلامی را نشان دهد.

مولفه‌هایی برای رویکرد اسلامی به اخلاق در فضای مجازی

مولفه‌های بنیادی و محتوایی

۱- اهمیت حسن فاعلی و حسن فعلی - هردو- در اعمال اخلاقی و تقدم ارزشی به حسن فاعلی:

در اخلاق کاربردی سکولار آنچه اهمیت دارد نتیجه عمل یا ارزیابی بر اساس نتایج مثبت و یا منفی عمل است. علی-رغم وجود فلسفه های اخلاق و وظیفه گرا، نظام حاکم بر اخلاق تکنولوژی (بطور عام و اخلاق فضای مجازی بطور خاص) تحت تاثیر نتایج حاصل از یک رفتار اخلاقی و ارزیابی حسن و قبح یک کار بر اساس ملاکهای عملی و سود و زیان اجتماعی و فردی آن است. معمولاً در تدوین مرامنامه های اخلاقی سکولار، اصولی مبنایی (بین ۳ تا ۸ اصل) مبنای تدوین کدهای اخلاقی قرار می گیرد و بر اساس آن بقیه کدهای اخلاقی تنظیم می گردد. در تمامی این اصول اولیه، حسن فاعلی کار که همان نیت و غرض فاعل از انجام کار است مورد توجه قرار نمی گیرد. به عنوان مثال از اینگونه مرامنامه ها، در اخلاق پزشکی سکولار، هیچیک از چهار اصل مبنایی به حسن فاعلی عمل اخلاقی ناظر نیست و گویا تنها نتایج مستحسن یک فعل، مبنای قضاوت در باره اخلاقی بودن یک عمل است. اصل سودمندی کاملاً نتیجه گراست و در آن نیت فاعل در نظر گرفته نمی شود. عدم اضرار و عدالت نیز بر اساس واقعیت های عینی شناخته شده از عمل مورد ارزیابی قرار می گیرد. توجه فاعل فعل اخلاقی به اختیار و آزادی دیگران صرفاً بنا بر اهمیت عملی آن برای بنیان نهادن باید و نباید های اخلاقی است.

در بینش اسلامی، گذشته از اهمیتی که به نتایج حاصل از عمل داده می شود، ارزش عمل به صرف نتایج مثبت آن مورد قضاوت قرار نمی گیرد. «نیت» و قصد باطنی می تواند درجه ارزشی یک فعل را بسیار افزون کرده یا از بین ببرد. (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۴-۱۹۲)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ إِنَّمَا يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَ نِيَّاتِكُمْ

«خداوند به ظاهر فعل شما و جلوه عملی آن نمی نگرد بلکه به دلها و نیت های شما توجه خواهد نمود»^۱

از آنجا که در اخلاق سکولار، به سختی می توان راهی برای تشخیص نیت باطنی افراد یافت و صرفاً با شرایط عینی و ظاهری می توان انگیزه هایی را به فاعل فعل نسبت داد که بسیار با نیت باطنی او فاصله دارد، لذا طرح حسن فاعلی

افعال که قابل کمی کردن نیست و به آن نمی توان دست یافت از ابتدا کنار گذارده شده است. چرا که اگر ملاکی قابل تشخیص نباشد طرح آن به عنوان ملاک بیهوده و عبث خواهد بود.

از طرف دیگر، حتی اگر بر اساس فلسفه های اخلاقی وظیفه گرا، قصد از انجام فعل برای انجام وظیفه اهمیت یابد این قصد نیز بر اساس انواع اهداف و جهت گیری های زندگی متفاوت خواهد بود. اخلاق برای اخلاق صرفاً هدف کوچکی خواهد بود که حسن فاعلی را در محدوده جزئی، ارزشمند می سازد. اگر هدف از زندگی، تعالی انسان و قرب به خداوند باشد دیگر نمی توان هدفی والاتر برای فعل در نظر گرفت. در نظام اخلاقی اسلامی - با در نظر داشتن حسن فاعلی فعل و با در نظر داشتن والاترین هدف زندگی (قرب به خداوند) - هرچه بیشتر، حُسن فاعلی فعل، در مقابل حُسن فعلی مهم می گردد.

نکته مهم دیگر آنکه با توجه به آنکه علم باری تعالی و اسباب وقوف او بر نیت های انسانی یکی از مهم ترین باور در اندیشه اسلامی است، و نزد او تمامی زوایای پنهان اندیشه و قصد انسانی قابل ارزیابی دقیق است، لذا ذکر این ملاک نه تنها بیهوده نخواهد بود بلکه می تواند جلوه های متفاوت فعل اخلاقی را نشان دهد.

در یک اخلاق فضای مجازی با رویکرد اسلامی نمی توان به صرف نتایج مثبت فعل اکتفا کرد، بلکه برنامه های جدی برای بالابردن فعل اخلاقی از جهت نیت نیز باید مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال، آموزش های معمول اخلاق در فناوری، صرفاً به نشان دادن هنجارهای اخلاقی و تربیت کاربران یا طراحان تکنولوژی که بر اساس آن هنجارها رفتار کنند منحصر شده است. در حالی که روش های آموزشی و تربیتی مستقل دیگری نیز باید برای رشد حُسن فاعلی و بالا بردن درجه آن، در میان تمامی ذینفعان فضای مجازی در نظر گرفته شود، تا این دو در کنار هم به رشد اخلاقی دست اندرکاران فضای مجازی بینجامد.

از طرف دیگر باید در بازنویسی دستورالعمل های اخلاقی در کلیه موارد سعی نمود تا در کنار هر دستورالعمل فعل اخلاقی، دستورالعملی نیز برای نحوه دخالت نیت فرد در نظر گرفته شود. اگر صداقت در ارائه اطلاعات و رعایت حریم خصوصی افراد در فضای مجازی فعلی نیکوست که تمامی دست اندرکاران باید به آن پایبند باشند، باید برای نیت افراد در پایبندی به این اصول اخلاقی نیز برنامه ای گذارده شود و این دو (عمل و نیت) در یک مجموعه بهم وابسته، اخلاقی بودن فعل را تضمین نماید.

۲- حُسن افعال اخلاقی ذاتی است ولی به علت محدودیت های عقل بشری، او برای تعیین حدود آن نیازمند به وحی است.

در نگرش اسلامی به اخلاق در فضای مجازی باید توجه داشت که دین مبنای خوب بودن یا بد بودن فعلی نیست. نظریه امر الهی نمی تواند ملاک حسن و قبح عمل باشد. اعمال اخلاقی خود ذاتا خوب هستند و چون خوب هستند مورد امر الهی قرار گرفته است. (الطوسی، ۱۳۶۷، ص ۳۲۷) لذا بشر می تواند با عقل خویش و بر اساس فطرت خود به حُسن و قبح اعمال وقوف یابد. ولی همان عقل در موارد بسیاری به ناتوانی خود در تشخیص تفصیلی حُسن و قبح اعمال اقرار می کند. (سبحانی، ۱۳۸۲، ص ۳۲) عقل عملا می یابد که بسیاری عوامل، در خوب دانستن یا بد دانستن عملی، دخالت می کنند که خود دیدگاههای بسیار متفاوتی را برای قضاوت پیش می کشد. از طرف دیگر، انسان نیز بر اساس فطرت خویش نمی تواند به نسبی گرایی چنگ زند، لذا به شدت خود را محتاج عقلی فراانسانی می یابد تا در این موارد که ناگزیر از انجام یکی از شقوق مختلف است او را کمک کند.

بسیاری اعمال در شرایطی به نظر برخی اندیشمندان سکولار خوب می آمده است ولی پس از دهها سال یا چند قرن، عواقب نامطلوب آن مشخص شده است (عواقب زیست محیطی تکنولوژی و انسان محوری در استفاده از علم در ابتدای قرن بیستم اصلا مورد توجه انسان نبوده است، درحالی که این امر در اول قرن بیست و یکم ملاک های حُسن و قبح پیشرفت علمی را بکلی دگرگون نمود) و بشر به علت محدودیت آگاهی خود، مخصوصا از عواقب آینده رفتارهای خویش، محتاج عقلی است که به آینده و نتایج آن در کل جامعه بشری و در یک نظام هماهنگ و منسجم از امور مطلوب و خیر وقوف داشته باشد. چون اینگونه آگاهی از آینده فقط در حیطه امور الهی است، لذا برای تشخیص موارد تفصیلی، نیازمند وحی است، و وحی باید ملاکی برای معرفت به تفصیل امور خیر باشد. برنامه ریزی برای تدوین دستورالعمل های اخلاقی در فضای مجازی در اجمال خیر و شر کارها به عقل انسانی متکی است و در تفصیل امور باید وحی و دستورالعمل های دینی بر آن تایید زند. به همین جهت است که رویکرد اسلامی به اخلاق در فضای مجازی در بسیاری موارد که مبتنی بر ملاحظات اولیه عقل است با رویکرد سکولار تفاوت چندانی نمی کند و می توان در این زمینه از تجربیات تنظیم مرامنامه های اخلاقی در فضای مجازی که در جوامع غیر اسلامی وجود دارد بخوبی استفاده کرد، اما باید توجه داشت که این مرامنامه ها مسائل بنیادین دیگری را مغفول دارند که در رویکرد اسلامی به آنها باید توجه شود.

۳- وحی نیز دستورات کلی ارائه می کند و تطبیق دیدگاه الهی با مسائل جزئی توسط عقل انسانی میسر است.

فهم وحی نیز تابع قواعدی است که با حجیت عقل میسر است. از آنجا که وحی خود برخی جنبه ها را به عقل دانشمندان ارجاع داده است در آن موارد باید تابع عقل بود.

پس از آن که دستورالعمل های اخلاقی با وحی سنجیده شد و خارج از حیطه مجاز وحی نبود، برای تشخیص موارد جزئی تر، خود وحی به عقل انسانی ارجاع داده است. لذا علی رغم ضرورت تایید وحی، وقوف به امر وحیانی با اجتهاد میسر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، صص ۳-۱۳۱) در اینگونه موارد نمی توان صرفاً با ظاهر وحی به مطابقت با وحی پی برد. بدین جهت امور مختلفی همچون عقل در محدوده وحی و مصلحت های بشری که مورد تایید عقل قرار گیرد در اجتهاد برای پی بردن به دستور وحی ضرورت دارد. در نتیجه، حضور متخصصان و دانشمندان و تکنولوژیستهای مختلف فضای مجازی، نقشی تعیین کننده در تشخیص اجتهادی خواهند داشت. این اجتهاد باید حاصل تعامل فکری علمای دینی، دست اندرکاران و متخصصان فضای مجازی، حقوقدانان، علمای اخلاق و فیلسوفان باشد.

برای تعیین موارد خاص یا مسائل مستحدثه در موارد اخلاقی در فضای مجازی، حضور مجموعه ای از متخصصان فوق ضرورت دارد که با محوریت علمای دینی و تعیین مصادیق با محوریت دست اندرکاران فضای مجازی باید نسبت به ارزیابی اخلاقی افعال خاص تصمیم گیری شود. در اینگونه موارد تشکیل کمیسیون های خاص اخلاقی در مجامع علمی و فناورانه اهمیت دارد.

۴- اگرچه اعتقاد به خداوند عالم مطلق و قادر مطلق موجب یافتن علل طبیعی می گردد که نظام حکمت الهی را نشان می دهد و همچنین موجب توانایی برای تسلط بر طبیعت می گردد، ولی این زمینه مساعد، هر نوع علم و یا تکنولوژی را خارج از ربوبیت الهی مجاز نمی شمارد. اندیشمندان در بررسی زمینه های پیشرفت علمی، بستر ادیان ابراهیمی را بخاطر اعتقاد به خداوند عالم مطلق و قادر مطلق و همچنین تشویق و هدایت انبیا به درک رموز عالم بسیار مهم دانسته اند. چرا که طبیعت، مقهور علم و قدرت الهی است و پیش فرض یافتن نظم عالمانه عالم (که برخاسته از اعتقاد به علم مطلق الهی است) و تسلط قدرتمندانه بر آن (که برخاسته از باور به قدرت مطلق الهی است)، زمینه را برای خودباوری بشر ایجاد نمود. اما این بستر نمی تواند انسان را برای هرگونه تسلط بر طبیعت یله و رها بگذارد، بلکه در اعمال تسلط او بر طبیعت باید به غیر از آموزه های دینی به

دستورالعمل های وحیانی نیز توجه داشته باشد. (آیت الهی، ۱۳۸۳، ص ۷۱) همین امر مسائل اخلاقی مربوط به محیط زیست را در شاکله تفکر دینی قرار می دهد. آموزه های بنیادین دینی وقتی کارساز خواهند بود که در پیروی فقهی نیز پایبندی ایجاد نماید.

مولفه های معنوی

۱- ارزش اصلی در احکام اخلاقی، قرب به خداوند و رشد معنوی و مادی او در این راه است. همین امر موجب شده است که نظام اخلاقی سکولار که در آن ملاک حسن و قبح اعمال صرف آسایش و رفاه انسانهاست نتواند ملاک ارزیابی جامعی به حساب آید.

یکی از مهم ترین چالش های نظام اخلاقی دینی با نظام ارزشی سکولار نحوه نگرش هریک به انسان و نیازهای او و هدف او از زندگی است. همین امر مسائل بسیاری را در نظام اخلاقی دینی کاملاً متفاوت با نظام ارزشی اومانیستی ایجاد کرده است. برای ارزیابی اخلاقی امور مختلف فضای مجازی نمی توان به صرف رفاه، سلامتی جسمی و لذت انسانها توجه داشت، بلکه باید برای مجموعه رشد معنوی و مادی فرد برنامه ریزی صورت گیرد. (مشکینی، ۱۳۸۳، ص ۱۳) از آنجا که در جهان بینی اسلامی مهم ترین هدف انسان در زندگی، قرب الهی است اولاً، باید قصد انجام هر عمل اخلاقی در میان دست اندرکاران فضای مجازی برای رضای خداوند جهت دهی شود؛ (مطهری، ۱۳۶۲، صص ۸۴-۶۹) ثانیاً، خوبی یا بدی کلیه فعالیتها در فضای مجازی باید با مجموعه رشد مادی و معنوی او سنجیده شود. مثلاً اگر سخن از حفظ حریم خصوصی افراد در فضای مجازی می شود این حفظ حریم خصوصی نباید آسایش و لذت فرد را فراهم کند ولی به تخریب معنویت فرد منجر گردد. وقتی صحبت از عدم اضرار می شود نه تنها زیان جسمانی که عدم اضرار معنوی هم باید مد نظر باشد. در نتیجه هرگونه فعالیت در فضای مجازی نه می تواند ایجاد مانع برای رشد معنوی کند و نه به فساد دینی فرد بینجامد. به همین جهت است که وقتی از پخش تصاویر محرک جنسی در فضای مجازی صحبت می گردد چون معنویت افراد را تخریب می کند دیگر معنای حریم خصوصی برای منتشر کننده آن متفاوت می گردد و نمی توان این حریم را محترم دانست.

۲- برای تشخیص اخلاقی بودن اعمال خاص در فضای مجازی، باید از نتایج حاصله که هم رفاه و آسایش فرد را در نظر بگیرد و هم رشد معنوی او را مورد توجه قرار دهد ارزیابی داشت. هرگونه تصمیم گیری در باره حسن و قبح اعمال جزئی با در نظر گرفتن مصلحت هایی که ناشی از نتیجه عمل است منوط به بررسی عقلایی نتایج حاصل برای فرد و جامعه است که این امر در اجتهاد متبلور است. در تشخیص حسن و قبح فعلی عمل (نه فاعلی آن) نمی توان به صرف یک دستورالعمل اخلاقی بسنده کرد، بلکه این دستورالعمل باید با کلیه عواقب و نتایج حاصله از آن در جامعه سنجیده شود. لذا باید همواره بررسی های تفصیلی از نتایج یک فعل توسط مجموعه ای از متخصصان انجام پذیرد تا آثار اجتماعی و فردی یک دستورالعمل به دقت جمع بندی گردد. این ملاحظه بدین معناست که اگرچه نگرش اخلاقی در تفکر اسلامی، صرفاً نتیجه گرا نیست، ولی ملاحظات نتیجه گرایانه در آن اهمیت دارد؛ و راه وظیفه گرایی صرف را نیز دنبال نمی کند. نگرش اخلاقی که در سنت اسلامی توصیه گردیده است به رویکرد فضیلت گرایانه در اخلاق بیشتر قرابت دارد. چرا که در رویکرد فضیلت گرایانه هم به تفاوت های فردی توجه می شود، و هم به زمینه های اجتماعی، فکری، فرهنگی و اقتصادی جامعه دقت می گردد، و هم به صرف تعیین وظیفه اکتفا نمی گردد، بلکه تعلیم و تربیت برای متخلّق شدن افراد به ارزشهای اخلاقی نیز با جدیت دنبال می گردد. مجموعه آموزه های دینی در این زمینه دغدغه اسلام را برای تحقق اخلاق در جامعه نشان می دهد. البته این شاخص وجه ممیز اخلاق دینی و اخلاق سکولار نیست بلکه وجه مقوم اخلاق دینی است.

۳- در نگرش اسلامی به اخلاق در فضای مجازی، دنیا به عنوان مهمترین بستر رشد معنوی انسان نگریده می شود و در نتیجه رشد مادی افراد نیز مهم است. برخلاف مسیحیت (مخصوصاً در قرون وسطی) دنیا گریزی امر پسندیده ای نیست. در نظام اخلاقی اسلام، برآوردن تمامی نیازهای غریزی و فطری انسان بطور متعادل در نظر گرفته شده است.

وَرَهْبَانِيَّةٍ اِبْتِدَعُوها مَّا كَتَبْنَا

و آن دنیاگریزی را که آنها (مسیحیان) بدعت کردند مانوشتمیم و مقرر نکرده بودیم

هرگونه برنامه ریزی اخلاقی که برخی جنبه های نیاز انسانی را مغفول داشته باشد انسان را از تعادل تمامی قوای انسانی خارج خواهد ساخت. لذا دستورهای اسلامی، راههای طبیعی و آسان برآوردن کلیه نیازهای بشری، چه مادی و چه معنوی، نشان داده شده است.

قُلْ مِنْ حَرَمِ زِينَةِ اللَّهِ إِلَيَّ آخِرُ الْعِبَادَةِ

بگو چه کسی زینتهای (دنیايي) را که خداوند برای بندگانش فراهم کرده است حرام نموده است؟

برآورده شدن نیازهای جسمانی و مادی بشر به عنوان شرط لازم و مقدمه ضروری رشد معنوی نگریسته می شود و به همین جهت نیز ارزش خواهد داشت. دنیا مزرعه آخرت دانسته می شود و هر چه توان جسمانی و مادی انسان بیشتر گردد مسیر رشد او هم می تواند هموار تر گردد. (مصباح، ۱۳۸۴، صص ۶-۲۷۵) لذا دستورالعمل های اخلاقی در فضای مجازی که به سرکوب هرگونه گزینه یا امر فطری یا از بین بردن رشد جسمانی بینجامد نمی تواند امر پسندیده ای باشد بلکه باید ارضای گزینه و امر فطری در مسیر تعیین شده دینی هدایت گردد. این شاخص نیز وجه مقوم است نه وجه ممیز اخلاق اسلامی.

۴- در نگرش اسلامی برای متخلق شدن به دستورات اخلاقی راهکارهای اجرایی و تربیتی اندیشیده شده است که امر به معروف و نهی از منکر با شرایطش مهمترین آنهاست.

تحقق دستورالعمل های اخلاقی باید از پشتوانه اجرایی لازم برخوردار باشد. بدین جهت در یک جامعه اسلامی برای تحقق رفتار اخلاقی و یا برپایی مناسبات اخلاقی بین تمامی آحاد جامعه، تمامی افراد جامعه مسئولیت دارند تا هرچه بیشتر یک جامعه متخلق به دستور العمل های اخلاقی و مشتاق و مقید به انجام امور نیک در فضای مجازی و بری از امور ناپسند را محقق نمایند. در این زمینه دستور اسلامی امر به معروف و نهی از منکر در معنای گسترده آن که در بردارنده تمامی مکانیزم های تحقق معروف و اجتناب از منکر است اهمیت زیادی دارد.

مولفه های حقوقی

۱. از آنجا که انسان در تمامی ابعاد وجودی اش وابسته به خداوند است لذا کلیه حقوقی که واجد است از ناحیه خداوند و در محدوده اذن او دارد.

این امر بدین معناست که به هیچ طریقی (چه نظر اکثریت مردم، چه مصلحت جامعه و چه به علت اصل عدالت) نمی توان حقوق خدادادی انسان را از او گرفت، مگر آنکه این اجازه از جانب خداوند به فرد دیگر یا جامعه داده شده باشد. بدین ترتیب انسان در قبال انسانهای دیگر در حقوقش تابع هیچکس دیگری جز خداوند نیست.

مبنای مشروعیت بخشیدن به دستورالعمل های اخلاقی در نظام های سکولار بر مبنای اجماع عقلا یا رای اکثریت و غیره است. بدین جهت است که اصول سودمندی یا عدالت نمی توانند مشروعیتی برای محدود ساختن اصل آزادی و اختیار فرد داشته باشند. لذا اقدامات تنبیهی و جزایی نمی توانند مشروعیت داشته باشند. در نظام حقوقی اسلامی مبنای این حقوق مالکیت و ربوبیت الهی است. در حالی که مبنای نگرش اومانستی در عصر جدید غرب، نه نفی خداوند که نفی ربوبیت او بوده است.

از آنجا که مبنای حقوق انسانی خداوند است لذا اختیار و آزادی انسانی فقط تا آنجا که از جانب او ماذون باشد محدود خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۸۵) این امر به معنی نفی مصلحت جامعه یا رای اکثریت یا مراجع دیگر برای وصول به اصول سودمندی یا عدالت نیست بلکه این گونه ابزار برای کاشفیت ربوبیت الهی می تواند در اجتهاد دینی مورد توجه قرار گیرد اما مشروعیت آن توسط هیچ مرجعی غیر از خداوند نیست.

۲- به علت حکمت لا یتناهی خداوند، حقوق وضع شده برای انسان دارای فلسفه ای است که به برخی از آنها می توان پی برد.

حقوق و تکالیف الهی بر اساس اعتقاد به حکمت و علم لایزال الهی و رحمت بیکران او بر بندگانش، حتما مصلحت یا فلسفه مستحکمی دارد. اما این امر به این معنا نیست که انسان با محدودیت های مکانی- زمانی خود بتواند به تمام این مصالح وقوف یابد بلکه با علم محدود و گسترش یابنده خود می تواند به برخی جنبه های این مصالح پی برد. در مواردی که انسان مصالح و حکمت برخی از این حقوق و تکالیف را نمی یابد هیچ دلالتی بر حکیمانه نبودن احکام نیست.

۳- در آموزه های اسلامی، هر انسان کرامت والایی دارد و خداوند به هر انسان با هر ویژگی، ارزشی برابر تمامی انسانهای دیگر داده است.

توجه به کرامت انسانی نشان‌دهنده ارزش ذاتی انسانها و لزوم رعایت عدالت به معنای تساوی حقوق بین آنهاست مگر آن که شخص بر اساس ویژگی خاص خود در موارد مشابه حقوق بیشتری از جانب خداوند واجد شده باشد و یا به علت برخی رفتارها از برخی حقوق محروم گردد. بدیهی است محرومیت از برخی حقوق، مستلزم محرومیت از سایر حقوق نمی‌گردد.

در کلیه ادیان ابراهیمی آموزه ای وجود دارد که قتل یا احیای هر انسان مساوی قتل یا احیای تمامی انسان‌ها است. با این نگرش بنیادی کرامت انسان‌ها آن چنان است که نمی‌توان هیچ چیز را معادل آن دانست. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۹) مبنای تصمیم‌گیری در خصوص اخلاقی بودن رفتارهایی در فضای مجازی با این نگرش به کرامت انسانی (و هر انسان) خواهد بود. بدین جهت هیچیک از دستورالعمل‌های اخلاقی (مثل حفظ حرمت و آبروی افراد) نمی‌تواند نافی این اصل باشد. اصول بنادین در هرگونه اخلاق در فضای مجازی همانند اختیار، سودمندی، عدم اضرار و عدالت نیز باید در پرتو این اصل معنا پیدا کند.

تنها خداوند است که به عنوان مالک و ربّ انسان‌ها می‌تواند عدول از این حق را مشخص سازد. محدودیت در کرامت انسانی نیز با دستور خداوند میسر است. به همین جهت است که هرگونه محدودیت از حق در یک امر، موجب محرمیت از حقوق دیگر نمی‌گردد. در این زمینه تمامی انسانها با یکدیگر برابر هستند.

۴- حیوانات و گیاهان هر یک حقی متناسب با خود دارند و به جز خداوند کسی نمی‌تواند آنها را از حق مخصوص خودشان محروم کند. به همین جهت هرگونه عمل در فضای مجازی که به نحوی تخریب محیط زیست را بدنبال داشته باشد محکوم است.

حیوانات و گیاهان نیز متناسب با نوع حیاتشان واجد حقوقی هستند که جز با اجازه خداوند نمی‌توان در آن تصرف نمود. حتی در مواردی که خود بشر زمینه پیدایش گیاهان و یا جانورانی را فراهم می‌کند نیز هیچگونه حقی بر حیات آنها ندارد، چرا که انسان در این کار علت اعدادی است و وجود حیات تماماً از جانب فیض مستمر الهی حاصل است. ترجیح حیات یک انسان بر حیوان در موارد تعارض آن دو، یا ذبح حیوانات و یا بهره برداری از گیاهان از موارد اذن الهی است که این اجازه طی شرایط خاصی به انسان داده شده است. برخی سرّ ذبح حیوانات را با نام خداوند توجه به این نکته می‌دانند که انسان بداند این امر فقط به علت اذن الهی میسر شده است و هیچگونه حق مستقلی برای انسان از این بابت وجود ندارد. آن چه در اخلاق مسیحی یا یهودی به عنوان ممنوعیت برخی تحقیقات زیستی به این

دلیل که دخالت در امر خدایی آفرینش موجودات است بنظر می رسد در نگرش اسلامی به اخلاق، فی نفسه، وجهی نداشته باشد مگر آن که به عللی همچون ایجاد فساد در زمین این تحقیقات عواقب نامناسبی داشته باشد. این نگرش، حفظ محیط زیست را یکی از اصول اخلاقی هرگونه مرامنامه اخلاقی می گرداند. در نتیجه هرگونه فعالیت در فضای مجازی باید حفظ محیط زیست را در نظر داشته باشد.

۵- از آنجا که بسیاری انسانها نمی توانند حقوق الهی خویش را بدست آورند لذا جامعه اسلامی باید تمامی سعی خویش را برای احقاق حقوق این افراد و تامین حقّ سالم زیستن آنها مصرف کند. از آنجا که محقق ساختن عدالت و دفع ظلم یکی از وظایف دولت اسلامی است و مهمترین ویژگی عدالت، اعطای حقوق به هر ذی حقی است، لذا دولت اسلامی باید مترصد باشد تا در هر جا که حقوق برخی افراد جامعه از آنها دریغ گردید (چه آنها به تزییع حقوق خود آگاه باشند یا آگاه نباشند) نسبت به احقاق حق ضایع شده، تمامی اقدامات لازم را انجام دهد. در نتیجه حکومت اسلامی موظف است سازوکارهای لازم را برای تحقق حقوق افراد در فضای مجازی فراهم کند تا با ابزارهای حکومتی بتواند حداکثر احقاق حقوق را در جامعه فراهم نماید.

مولفه های جزایی

۱- نظام پاداش و کیفر در نگرش اسلامی، با رضایت و عدم رضایت خداوند که در پاداش و کیفر اخروی متجلی می شود نه تنها تضمینی برای حُسنِ فعلیِ عمل که برای حُسنِ فاعلیِ آن نیز هست. در نظام های سکولار راهکارهای جزایی و تشویقی برای رفتارهای اخلاقی در نظر گرفته می شود که در قالب های متفاوتی تجلی می کند. نظام های نظارتی و قضایی و اجرایی و انتظامی کشور، پاسدارِ حدودِ دستورالعملهای اخلاقی هستند. بدیهی است که هرگونه از این راهکارها هر چند وسیع باشند بسیاری محدوده ها را (مثل بسیاری از حیطة های مخفیانه انسانی) نمی توانند پوشش دهند. این نظامها به طریق اولی ناتوان تر از آن هستند که به نیت ها و انگیزه های افراد در انجام فعل اخلاقی دست یابند. اما در نظامهای دینی، باور به معاد و پاداش و جزای اخروی که بر اساس افعال انسان (در تمامی لحظات زندگی و در تمامی حیطة های آشکار و مخفی انسان) و همچنین تمامی نیتهای باطنی انسان صورت می پذیرد، هیچ زمان و مکانی از حیات انسانی را مغفول نمی گذارد. سیستم های نظارتی در نظام

های سکولار در مقابل نظارت الهی بر فعل و نیت انسان که به علم الهی در تمامی زوایای زندگی انسان مستند است آن چنان ضعیف است که فقط می تواند محدوده بسیار جزئی از زندگی انسانی را در معرض نظارت اخلاقی قرار دهد.

مِنْ يَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

هر کس هم وزن ذره ای کار نیک انجام دهد آن را (در روز قیامت) می بیند و هر کس هم وزن ذره ای

کار بد انجام دهد آن را (در آن روز) خواهد دید.

در نتیجه، در نظام های دینی، مهم ترین تضمین کننده فعل اخلاقی چه در آنجا که از دسترس مکانیزم های فوق بدور است و چه از جهت حسن فاعلی فعل (که قابل نظارت نیست) کیفر و پاداش اخروی است که بهترین تضمین کننده انجام فعل اخلاقی است. (طباطبایی، بی تا، ۲۰۶)

البته این موضوع بدین معنا نیست که به سایر سیستم های نظارتی و جزایی در نظام های دینی بی توجهی شده است. نظامهای دینی سازوکارهای بسیاری برای تحقق اخلاق در جامعه، غیر از پاداش و جزای اخروی نیز دارند که مجموعه مستحکمی از سیستم های نظارتی، جزایی، حقوقی، انتظامی را تشکیل می دهند.

۲- از آنجا که در قبال هر حقی وظیفه ای قرار دارد لذا وظایف اخلاقی در فضای مجازی باید بگونه ای تنظیم یابد تا حق هرکسی ادا گردد.

تعیین وظایف تمامی عناصر دخیل در فضای مجازی بر اساس حقوق دیگر عناصر اهمیت بسیاری دارد. از آنجا که رعایت وظایف تمامی عناصر مرتبط با فضای مجازی مبتنی بر مرامنامه های اخلاقی در این فضا است، لذا ضرورت دارد بر اساس دستورالعمل های اخلاقی که در این زمینه تدوین می گردد وظایفی برای تمامی عناصر دخیل در فضای مجازی تنظیم گردد. البته صرف بیان وظایف افراد در این زمینه کفایت نمی کند، چرا که در قبال هر وظیفه ای حقی برای طرف مقابل وجود دارد که باید متناسب با آن وظایف، مجموعه حقوق طرف مقابل نیز مشخص گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶) چرا که هیچ حقی بجز حق خداوند نمی تواند یکجانبه باشد. لذا در هنگام تنظیم منشور اخلاقی در فضای مجازی باید وظایف ذینفعان فضای مجازی در قبال یکدیگر (دوبه دو) کاملاً مشخص و در قبال تمامی وظایف، حقوق هر طرف نیز تنظیم گردد.

مثلا در تنظیم منشور حقوق کاربر یک وبلاگ، نمی توان در تنظیم حقوق کاربر وبلاگ، وظایف صاحب آن وبلاگ و در تنظیم حقوق صاحب وبلاگ، وظایف کاربر آن باید مشخص گردد. افراط و تفریط در هر طرف به انحراف اخلاقی منجر خواهد شد.

۳- تحقق نظام تنظیم وظایف که بر اساس حقوق مشخص می گردد نیازمند نظامی جزایی است.

از آنجا که در جامعه اسلامی حکومت وظیفه دارد از حقوق خداوندی هر موجودی دفاع کرده و تمامی تدابیر لازم و توانایی مورد نیاز را برای احقاق حقوق آن بکار بندد، لذا باید بر اساس این حقوق وظایف هر یک از کسانی که در فضای مجازی به نحوی دخیل هستند مشخص نموده و نظام جزا برای تخطی کنندگان از وظایف و پاداش برای عاملین به آن را به همراه ابزارهای لازم برای اعمال این نظام جزا و پاداش تدارک بیند، و اهرم های اجرایی لازم را برای تحقق نظام جزایی بکار بندد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴)

بر این اساس تنظیم اخلاق در فضای مجازی باید به صورت زیر از بالا به پایین تکمیل گردد:

دستورالعمل های اخلاقی

تعیین وظایف طرف دوم نسبت به طرف اول

تعیین وظایف طرف اول نسبت به طرف دوم

تعیین حقوق طرف اول دخیل در فضای مجازی

تعیین حقوق طرف دوم مقابل در فضای مجازی

تنظیم نظام پاداش و جزا برای عاملین و تخطی کنندگان از وظایف

تعیین سازوکارهای تشخیص عاملین و تخطی کنندگان

تعیین سازوکارهای اجرایی برای پاداش و مجازات

جمع بندی:

علی رغم آنکه در نگرش شیعی به اخلاق، حسن و قبح عقلی ملاک است ولی نگرش اخلاقی در تفکر اسلامی با اخلاق سکولار تفاوت‌هایی را در برخی امور دارد که آن را متمایز از اخلاق سکولار و مسیحی و اشعری (و اخباری) می‌کند. برای تدوین رویکرد اسلامی به اخلاق در فضای مجازی ملاحظات خاص و اساسی باید در نظر گرفته شود تا

روح اسلامی آن حفظ گردد. این رویکرد، در جنبه بنیادی - محتوایی اش به حسن فاعلی فعل نیز توجه می نماید و در تفصیل (و نه اجمال) بر ناتوانی عقل در حصول به تمامی جنبه‌های اخلاقی اذعان می کند و در نتیجه خود را محتاج راهنمایی‌های وحی می‌داند. برای موارد جزئی‌تر نیز عقل بر اساس آموزه‌های وحیانی به اجتهاد می‌پردازد. تمامی این دستورات عمل‌ها نیز بر اساس ربوبیت الهی تبیین می‌گردد.

نگرش اسلامی به اخلاق، در مولفه معنوی اش جهت گیری اخلاق را صرفاً توجه به رفاه و آسایش مادی انسان نمی‌داند، بلکه هم رشد مادی و هم رشد معنوی انسان - که در قرب الهی متمثل است - دغدغه اصلی اوست و به هردو در یک نظام متعادل می‌نگرد.

از جنبه حقوقی نیز شریعتی را بپا نموده است که حقوق تمامی موجودات را با استناد به باریتعالی می‌نگرد و مبنای مشروعیت فعالیت‌های اخلاقی نیز ولایت و ربوبیت الهی می‌داند. سلب این حقوق جز از مسیر اذن الهی میسر نیست. خداوند نیز برای انسان کرامتی را متذکر می‌گردد که در آن حیات و حرمت یک انسان همچون حیات و حرمت کل انسانها قلمداد می‌گردد. دستورات عمل‌های اخلاقی باید مبتنی بر حقوق الهی باشد.

اسلام برای جاری ساختن اخلاق، صرفاً به توصیه‌های نصیحت‌گونه اکتفا نمی‌کند و نظامی جزایی برای تحقق حقوق انسانها و تخلُّق آنها به اخلاق الهی در نظر گرفته است که در نظام جزایی اسلام که مهم ترین بخش آن نظام پاداش و کیفر اخروی است مورد توجه قرار می‌گیرد.